



یادنامه آنکتیل دو پرون

بمناسبت دو یستمین سال انتشار
نخستین ترجمه اوستا



نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان
سال یازدهم - شماره دوم
اسفند، ۱۳۵۱

تأثیر زبان فارسی در زبان اوغوری

تاریخچه

اوغورها يك قوم آسیائی ترك زبان هستند و در تاریخها از قرن هفتم میلادی مقارن با اوائل دوران اسلامی، زمانی که در کنار رود اورخون سکنی گزیدند، نام آور شدند. چندین شهر بنا کردند که از آن جمله قراقروروم معروف است. اوغورها به سرعت قلمرو خود را بسط دادند. در اوائل قرن دوم هجری تمام مغولستان را از دست سلسله تانگک خارج ساختند و کشوری به وجود آوردند که از سال ۱۲۴ تا ۲۳۵ ه. ش. دوام یافت. سپس به جایی که بعدها ترکستان شرقی یا ایالت سین کیانگ نامیده شد مهاجرت کردند و در اینجا نیز حکومتی تأسیس کردند که در قرن ششم هجری مقهور مغول گردید و تا قرنهای حتی نام خود را از دست داد. در این مقاله تا جایی که امکان داشته است جابجا از وضع اوغورها در قرنهای اخیر سخنی آمده است.

برای اطلاع بیشتر در مورد تاریخ اوغورها در متنهای فارسی میتوان مخصوصاً به تاریخ جهانگشای جوینی و تاریخ گزیده مراجعه کرد.

مکن و جمعیت کنونی اوغورها

اوغورها اکنون بطور عمده در ناحیه خود مختار سین کیانگک واقع در شمال غربی جمهوری خلق چین زندگی میکنند. مساحت این ناحیه خود مختار بیش از يك

* از انجمن فرهنگ ایران باستان.

میلیون ونیم کیلومتر مربع است یعنی کمی کمتر از مساحت ایران و حدود يك پنجم کل مساحت چین.

جمعیت اوغور در این ناحیه تقریباً ۳/۶ میلیون نفر است. یعنی حدود $\frac{1}{4}$ جمعیت ایران امروز و ۷۰٪ کل جمعیت سین کیانگک. ۳۰٪ بقیه جمعیت سین کیانگک را به طور عمده چهارده گروه ملی دیگر یعنی چینی‌ها، مغولها، دونگانها، قزاقها، قرقیزها، تاجیکها، ازبکها، تاتارها و غیره تشکیل می‌دهند.

در حال حاضر حدود ۱۲۰ هزار اوغور هم از ترکستان شرقی (ناحیه سین کیانگک) به شوروی مهاجرت کرده و بیشتر در جمهوری‌های قزاقستان و ازبکستان زندگی می‌کنند.

زبان اوغورها

زبان اوغورها متعلق به گروه شرقی زبانهای ترکی است.^۱ از نظر تاریخ زبان، زبان اوغوری سه مرحله را پیموده است: اوغوری باستان، اوغوری میانه و اوغوری جدید.

اوغوری باستان از زبان ترکی مادر، ترکی باستان، در عهد بسیار قدیم ناشی شد. از ترکی باستان گویشها و زبانهای متعدد ترکی به وجود آمدند. اوغوری باستان ظاهراً در اصل زبان اجداد «اوغورهای زرد» امروز بوده است که اینک تعدادشان اندک و در حدود ۳۸۰۰ نفر است و در ایالت چینی کانسو زندگی می‌کنند.

بر خلاف اوغورهای اصلی اوغورهای زرد مسلمان نیستند، بلکه شمنی و بودائی‌اند و زبان اوغورهای زرد به اوغوری باستان نزدیکتر است.

اوغوری باستان حتی تا اواخر عهد ساسانی ایران دوام داشت و بعضی نوشته‌های کهن به این زبان به دست آمده است. اوغوری میانه همان زبان «قرلوق اوغور» است که نوشته‌های دوره قراخانی بدانست و زبان قسمت شرقی حکومت قراخانی بوده است و آثاری از آن از قرن پنجم هجری در دست است. اوغوری جدید به

۱- گروه شرقی زبانهای ترکی شامل زبانهای آلتائی شمالی، اوغوری، قرقیزی، باشگیری، ازبکی، و ترکمنی است. از لحاظ جغرافیائی دریای خزر محور و حد فاصل دو گروه شرقی و غربی زبانهای ترکی است، گویانکه هنوز همه زبان شناسان در این تقسیم‌بندی متفق القول نیستند.

ترتیبی که بعد از این خواهد آمد از قرن ششم هجری پا به عرصه وجود گذاشت و در جهت معینی تکامل یافت.

اویغورها به دلایل تاریخی چندی قرن‌ها نام خود را از دست دادند و نامهای متعدد دیگری گرفتند. زبانشان نیز به هم‌چنین ماند: کاشغرلیک (کاشغری)، تورفانلیک (تورفانی) ختنلیک (ختنی)^۱ و غیره. سرزمین آنها اندک اندک نام ترکستان شرقی گرفت. این سرزمین در یک قرن ونیم پیش گاهی به نام «آلتی شهر» (شش شهر) هم نامیده شد و پس از الحاق به چین به‌طور قطع به‌سین کیانگک موسوم گردید.

زبان اویغوری گویشهای چندی دارد: کاشغری، یارکندی، ایللی، آقسوئی، ختنی، تورفانی، لب - نوری، و غیره. اما گویش کاشغری در حال حاضر گویش ادبی اویغوری است و دستور زبان اویغوری از این گویش اخذ شده است و مطالعه درباره تحول زبان اویغوری از دوران قدیم به‌جدید بر این گویش استوار است و در مطبوعات نیز همین گویش بکار می‌رود، گویانکه بعد از تشکیل حکومت جمهوری خلق چین گویش ایللی نفوذ زیادتری در ادبیات اویغوری یافته است و وسائل ارتباط جمعی اختلافات جزئی این گویشها را از میان می‌برد.

بعضی ویژگیهای اویغوری جدید

زبانهای ترکی همگی از یک مبدا یعنی ترکی باستان منشعب شده و جدا جدا بوسیله اقوام مختلف ترک زبان تحول یافته‌اند^۲. در این میان زبان اویغوری دارای ویژگیهایی است. اویغوری جدید با ازبکی نزدیکتر است و اویغوری میانه با جغتائی میانه نزدیک بوده است. در واژگان اویغوری جدید بسیاری از واژه‌ها به‌صورت

۱- مقصود ختنی - اویغوری است. والا پیش از ورود اویغورها به ترکستان شرقی، زبان مردم این ناحیه هند و ایرانی و بطور عمده سکائی (میانیه) بود. نگاه کنید به:

-M. J. Dresden, *The Jātakastava or Praise of the Buddha's Former Births Indo-Scythian (Khotanese) Text, English Translation...* Philadelphia, USA, 1955.

-H. W. Bailey, *Languages of the Saka, Leiden-Köln, 1958.*

-S. Know, *Primer of Khotanese Saka, Oslo, 1949.*

۲- اصطلاح ترک فقط جنبه زبانی دارد نه نژادی. چه بسیارند اقوام غیر ترک که در سده‌های گذشته ترک زبان شدند.

قدیم خود باقی مانده‌اند. نظیر این وضع در سایر زبانهای گروه ترکی دیده نمی‌شود و در زبانهای دیگر عالم نیز نادر است. درست شبیه به اینکه ما يك عبارت فارسی بگوئیم یا بنویسیم و در آن بعضی واژه‌ها را بشکل پارسی باستان یا پارسی میانه به کار ببریم!

آنچه از این ویژگی زبان اویغوری مخصوصاً به بحث ما مربوط است آنست که واژه‌های ایرانی میانه که در زبان اویغوری وارد شدند تقریباً به صورت اصلی خود باقی مانده‌اند و مطالعه در آنها ما را از نظر زبان شناسی ایرانی میانه یاری می‌دهد.

خط اویغوری

مقارن با اواخر عهد ساسانی در ایران، اویغورها سیستم کتابت خود را بر اساس الفبای سغدی میانه بنا نهادند. این زمان همچنین مقارن بود با نفوذ مانویت و مسیحیت در میان اویغورها و ترجمه ادبیات مانوی و مسیحی از زبان سغدی به اویغوری. سپس کتابت اویغوری با تغییراتی جزئی با الفبای منچوها و مغولها تطبیق داده شد. این زمان مقارن بود با حمله تازه بودائی گری و عقب راندن مانویت و مسیحیت و ترجمه آثار بودائی از زبان چینی به اویغوری.

در قرون ۵ و ۶ هجری، در حکومت قرآخانیان، اویغورهای اصلی بطور وسیعی الفبای ایرانی جدید را بکار بردند. اما طوائف دورتر و از جمله اویغورهای زرد که مانند اویغورهای اصلی مسلمان نشده بودند همچنان الفبای پیشین را تا قرن سیزدهم هجری حفظ کردند.

در اینجا لازم است که درباره الفبای ایرانی جدید سخنی بگوئیم. بعضی از خاورشناسان به الفباء ایرانی جدید نام عربی داده‌اند و الفبای کنونی فارسی را هم «عربی» می‌نامند. این نام گذاری جای بحث دارد. در ایران دوران هخامنشی خط میخی پارسی باستان را از خط میخی سومری و بابلی گرفتند و تغییرات عمده‌ای در آن دادند و شد خط میخی پارسی باستان. در دوران ایرانی میانه هم از الفبای آرامی اقتباسهایی شد و الفبائی برای زبانهای پارتی و پهلوی و حتی اوستائی تنظیم گردید. اما در این اقتباس به قدری تغییرات مطابق با ویژگیهای زبان داده شد و مخصوصاً در خط اوستائی به اندازه‌ای سلیقه به کار رفت که دیگر این خطوط به نام اوستائی و

پارتی و پهلوی نامیده شدند نه آرامی. در دوران اسلامی نیز اقتباس از خط موسوم به عربی صورت گرفت ولی باز با تغییراتی مناسب با ویژگی زبان فارسی دری. در این دوره نیز خط استاگر خط فارسی دری را عربی بگوئیم همانطور که خط میخی پارسی باستان سومری و بابلی نیست و خط اوستائی آرامی نیست. همین خاورشناسان اگر آلمانی یا فرانسوی و یا انگلیسی باشند، با اینکه الفبای زبان مادریشان با تغییراتی کم و بیش از الفبای لاتین اقتباس شده است آنرا الفبای آلمانی یا فرانسوی یا انگلیسی می‌نامند، ولی پای الفبای فارسی که به میان می‌آید آنرا عربی می‌خوانند.

او یغورها با الفبای ایرانی جدید از طریق مردمان ایرانی زبان آشنا شدند و از آن استفاده کردند و در آن برای بعضی از مخرجهای خود تغییراتی دادند. آنها نیز مانند ایرانیان حروف ث، ذ، ص، ض، ط، ظ، ح و ع را که مورد استفاده‌شان نبود برای کتابت واژه‌های ایغوری بکار نگرفتند و در نوشتن واژه‌های عربی هم که از راه زبان فارسی به‌وام گرفتند رفته رفته تغییر اساسی دادند. یعنی کاری که خودما ایرانیان به آن اندازه نکردیم. مثلاً آنها «احتمال» و «معلوم» عربی را که ما به همین صورت‌ها نوشتیم تا مدتی به همان گونه اصلی نوشتند اما کم کم آنها را به شکل «ثمال» و «مه‌لوم» ثبت کردند، همچنین کلمات دیگری را مانند: بژی (بعضی)، بژن (بعضا)، اقیل (عقل)، ماآرپ (معارف)، ترب (طرف)، مخسد (مقصد)، و غیره.

اینک نمونه‌ای از خط او یغوری جدید پیش از «لاتینی شدن» آن: ك چ مهزگیلی
ئورومچی کوچیلیرنی تاماشا قیلماقتیمن.

kac mazgili Urumci kocilirni tāmāšā qilmāqtiman

شب هنگام در کوچه‌های اورومچی گردش می‌کنم.

با این حال به سبب دشواری نوشتن و خواندن این خط در دسامبر ۱۹۵۹ (۲۰ آذر ۱۳۳۸)، در دومین کنفرانس زبان‌شناسان او یغوری، رسم الخط او یغوری تغییر یافت و الفبای تازه با اقتباس از الفبای لاتن و با تغییراتی بایسته جای آنرا گرفت. درباره خط و زبان او یغوری در ادبیات ایران اشاره‌هایی هست:

قمری رخ عطار دی خامه پارسی خط و او یغوری نامه (اوحدی)

ادبیات قدیم او یغوری

نخستین بار محمود کاشغری زبان و ادبیات او یغوری قرن ۵ هجری را مورد

بررسی قرار داد. سپس از قرن هفتم هجری بعد فرهنگها و گرامرهای زبانهای ترکی - از جمله اویغوری - بصورت کاملتری در آسیای میانه، قفقاز، عثمانی و حتی مصر بهرشته تحریر درآمد و آنگاه دانشمندان اروپائی زبان و ادبیات اویغوری را از نیمه اول قرن ۱۹ میلادی مورد بررسی قرار دادند.

ادبیات کلاسیک اویغوری با خطوط سغدی میانه، ایرانی جدید و اویغوری باقی مانده است. اولین اسناد کتبی اویغوری کلاسیک مضامین بودائی دارند. کتابهای مذهبی بودائی ابتدا از تبتی، سنسکریت و چینی به اویغوری بازگردانده شدند. سپس بعضی ادبیات بودائی، مسیحی، مانوی و اسلامی از زبانهای دیگر و از جمله زبانهای ایرانی و علی الخصوص از سغدی به اویغوری ترجمه گردیدند.^۱

ادبیات اسلامی با خط ایرانی در قرن پنجم هجری وارد اویغور شد و البته مقارن بود بانفوذ اسلام در ترکستان شرقی به وسیله ایرانی زبانان مسلمان که رفته رفته مذهب رسمی قاطبه مردم اویغور در این سرزمین شد. اشعار کوتادگوبیلیگ^۲ از یوسف بلاساغونی^۳ که در سال ۴۷۶ ه. ش به اتمام رسید، احتمالاً اولین اثر ادبی اویغوری است که تحت نفوذ اسلام است. از این کتاب اکنون سه نسخه موجود است: یکی به خط اویغوری در وین و دو نسخه دیگر به خط ایرانی در قاهره و تاشکند.

۱- نگاه کنید به کتابهای زیرین:

- J. P. Amussen, *The Khotanese Bhadracaryādeśnā*, Kobenhavn, 1961.

- W.B. Henning, *Ein manichäisches Bet - und Beichtbuch*, Berlin 1936.

- I. Gershevitch, *A grammar of Manichean Sogdian*, Oxford, 1954.

- F. C. Andreas und W.B. Henning, *Mitteliranische Manichaica aus Chinesische - Turkestan*, Leiden - Köln, 1958.

Kutadgu Bilig - ۲

۳- بلاساغونی Balāsāghun شهری قدیم بود در دره رود «چو» در قرقیزستان کنونی. اکنون اثری از این شهر نیست. بلاساغون از تاسیسات سغدیها بود و نام آنهم ایرانی است. شکل ایرانی آن بلاشگان (شهر منسوب به بلاش) است. بلاساغون بعدها از مراکز لشکرکشی قراخانیان در ماوراءالنهر شد. در جنگ گورخانیان و سلطان محمد خوارزمشاه، گورخانیان آنرا پس از ۱۶ روز محاصره گرفتند و سه روز تاراج کردند (۶۰۷ ه. ق.). پس از آن روبه خرابی بیشتر رفت و نابود شد.

اثر ادبی منظوم مهم بعدی اویغوری «هبة الحقایق» است، از احمد ادیب، و گمان می‌رود که مربوط به قرن ششم هجری باشد.
اثر مذهبی - اسلامی دیگر اویغوری درباره شرح زندگی پیغمبران است نوشته ربگوزی^۱ (۶۹۰ ه. ش. ۰) ...

در حال حاضر در اورومچی - مرز ناحیه خودمختار سین کیانگک - قریب ۴۰۰۰ نسخه خطی اویغوری جمع آوری شده است که بعضی از آنها نهصدسال قدمت دارند. چاپ و مطالعه این آثار - که تاکنون فقط برخی از آنها تصحیح و چاپ شده است فوائد بسیار دارد از جمله آنچه به بحث ما مربوط است یعنی درك بیشتر تأثیر زبان و ادبیات فارسی در زبان و ادبیات اویغوری.

در اواخر قرن میلادی گذشته قطعاتی از نوشته‌های مسیحی و مانوی و بودائی در ترکستان شرقی یافت شد و توجه شدید دانشمندان اروپائی را به خود معطوف داشت. از جمله در سال ۱۲۸۸ شمسی رادلف^۲ به چاپ بعضی ادعیه مانوی - اویغوری پرداخت و همین محقق و نیز لکک^۳ و مولر^۴ بعداً آثار مانوی دیگری را منتشر کردند. در سال ۱۲۸۹ ه. ش. مالوف^۵ قطعاتی از نسخه خطی «سوورناپرابھاسا» را نزدیک سوچوو^۶ در ایالت کانسو (چین) یافت. این اثر در قرن ۳ هجری از سنسکریت به اویغوری ترجمه شده بود. سپس قسمت‌های دیگر همین اثر در واحه تورفان کشف گردید^۷...

در زمان حکومت قراخانیان کاشغر یکی از مراکز تمدن این حکومت شد به همان اندازه سمرقند و بخارا. هنگام فتوحات مغول، تمدن کاشغر (اویغوری) در فاتحین مغول و دیگر ملل آسیای میانه تأثیر زیاد کرد. در قرن هشتم هجری قسمت‌های غربی و جنوبی ترکستان شرقی شامل شهرهای کاشغر، یارکند و ختن زیر سلطه تیموریان درآمدند و از نظر فرهنگ رو به ترقی رفتند. و در قرن هفتم تا نهم هجری زبان و

| | | |
|---------------------|------------|-------------|
| Lecocq - ۳ | Radlow - ۲ | Rabguzi - ۱ |
| Suvarnaprabhasa - ۶ | Malow - ۵ | Muller - ۴ |
| | | Suchow - ۷ |

۸ - آثار مانوی به زبان پارتی و آثار بودائی بزبان سکائی - خنتی و نیز بعضی نوشته‌های سغدی میانه که در تورفان بدست آمد، منابع مهم بررسی زبانهای ایرانی میانه بشمار می‌روند.

ادبیات اوغوری رونق بیشتری گرفت.

تأثیر زبانهای دیگر در زبان اوغوری

به جهات مختلف از جمله قرار گرفتن در حدفاصل تمدنهای گوناگون و ملل و زبانهای مختلف و قرار داشتن بر سر راههای بازرگانی مهمی مانند جاده ابریشم، زبان اوغوری یکی از تأثیرپذیرترین زبانها گردید.

از عهد باستان اوغورها در تماس مداوم با اقوام ترك و مغول و چینی بودند و از همان ادوار واژه‌ها و اصطلاحاتی از زبانهای این اقوام وارد اوغوری شد. ابتدا مغولی و چینی و سپس زبانهای دیگر ترکی و مقدم بر همه ازبکی.

تأثیر زبان چینی در اوغوری به دو عهد قدیم و جدید میرسد: در عهد قدیم - همزمان بانفوذ بودائی گری و در عهد جدید پس از الحاق ترکستان شرقی (سین کیانگ) به چین. اما تأثیر مغولی و ازبکی در اوغوری بیشتر از طریق مبادلات بازرگانی بود تا مذهب و سیاست مگر بعد از فتوحات مغول که جنبه سیاسی و حکومتی نیز بخود گرفت.

تأثیر زبانهای ایرانی ابتدا از زبان سغدی در اواخر عهد ساسانی و توأم بانفوذ مانویت در ترکستان شرقی تشدید شد. بسیاری از واژه‌های سغدی میانه در ادبیات قدیم اوغوری باقی مانده است که قسمت اعظم آنها مربوط به این دوره است. قبلاً واژه‌های سغدی که در آسیای میانه زبان دانش و بازرگانی بود از طریق جاده ابریشم به اوغور و چین نیز سرایت کرده بود. بدین سبب مطالعه در زبان سغدی بدون مطالعه در اوغوری قدیم کاملاً میسر نیست. مثلاً در ترجمه‌ای از سرودهای دینی مانوی از سغدی به اوغوری قرن پنجم میلادی کلمات سغدی نظیر: بریسته^۱ (فرشته) دینتار^۲ (دیندار) و غیره کم نیست^۳.

در قرن اول هجری مانویت در میان اوغورها نفوذ بیشتری یافت. و همین موجب نفوذ بیشتر زبانهای ایرانی در اوغوری شد. اوغورها که قبل از مسلمان شدن از گسترش اسلام بیم پیدا کرده بودند علاوه بر مانویت به مسیحیت نیز بیشتر روی

۱- brista (پهلوی: frēstag = رسول، پیغمبر) ۲- dintār

۳- درباره زبان و ادبیات و خط سغدی رجوع شود به مقدمه برهان قاطع به قلم دکتر

معین.

آوردند. بسیاری از رساله‌های مذهبی و از جمله عهدجدید در همین زمان باز از سغدی به اویغوری برگردانده شدند. این نیز موجب نفوذ بیشتر زبان سغدی در اویغوری گردید. متعاقب آن ادبیات بودائی هم از نو در قرنهای اول تا سوم هجری از چینی و تبتی و سغدی و سنسکریت به اویغوری درآمدند. بدین ترتیب زبان اویغوری باز هم از واژه‌های سایر زبانها پر شد.

این وضع تا قرن چهارم هجری دوام داشت که اسلام بالاخره اویغورها را هم دربر گرفت. از این زمان بیعد واژه‌های فارسی (و عربی از طریق فارسی) سیل آسا وارد زبان اویغوری شدند. این واژه‌ها بیشتر مذهبی، دیوانی، علمی، اجتماعی و اخلاقی بودند. سیل جریان این واژه‌ها مخصوصاً بین سده‌های هفتم تا نهم هجری صورت گرفت زمانیکه کاشغر و سایر شهرهای ترکستان شرقی مرکز فرهنگ و محل تجمع دانشمندان و نویسندگان و شاعران فارسی‌گوی عربی‌دان شدند.

پس از مسلمان شدن اویغورها تاملاتی طولانی کتابهای مذهبی درسی در مدارس دینی اویغور به زبان عربی بود. مردمی که آنقدر برای نامسلمان ماندن کوشیده بودند حالا آنطرف افتاده بودند. زبان عربی زبان مذهبی و فقهی عالمان دین اویغور گردید. اما بعضی کتابهای مذهبی - اسلامی کاملاً به زبان فارسی بود و فارسی دومین زبان مذهبی عالمان دین اویغور شد و در مدارس دینی و مکتب‌خانه‌های اویغور فارسی با عربی توأم تدریس میگردید.

زبان فارسی از امتیاز دیگری در میان مردم اویغور برخوردار بود و آن توجه عظیم این مردم به ادبیات و مخصوصاً شعر فارسی بود. تأثیر عربی و فارسی نه تنها در واژگان بلکه در نحو زبان اویغوری نیز مشهود گشت. در سال ۱۳۲۳ شمسی ا. ن. نجیب^۱ - از آکادمی علوم شوروی - یک فرهنگ از واژه‌های بسیار متداول اویغوری جدید را در سه هزار کلمه مربوط به ۱۵۰۰۰ خبر و مطلب گوناگون از روزنامه‌ها و مجلات اویغوری فراهم آورد و در باره اصل این واژه‌ها به بررسی پرداخت. نتیجه حیرت‌انگیز بود: تنها ۴۹٪ از این واژه‌ها اویغوری بودند و بقیه به این ترتیب تقسیم شده بودند: واژه‌های در اصل عربی ولی دخیل از راه نفوذ زبان فارسی (که خود با واژه‌های عربی بسیار آکنده شده بود) ۳۳/۵٪، واژه‌های کاملاً فارسی

۷/۵٪، واژه‌های اروپائی از راه زبان روسی ۵/۵٪، چینی ۲٪ و بقیه از زبانهای دیگر. در اولین اثر مذهبی- اسلامی باقی مانده به زبان اویغوری یعنی کوتادگوبیلیگ، قرن چهارم هجری، تنها ۹۴ واژه عربی هست اما حالا وضع چنان است که ۳۳/۵ درصد از واژه‌های متداول اویغوری اصل عربی دارند. علت چیست؟ در این باره بعد سخن خواهیم گفت. اما قبلاً باید یادآوری کرد که در ۴۹٪ واژه‌هایی هم که اویغوری به حساب آمده‌اند تأثیر زبانهای ازبکی، قرقیزی، مغولی و غیره بسیار است.

تأثیر عربی در اویغوری

عربها مستقیماً با اویغورها تماس نداشتند و بوسیله عربها هم مسلمان نشدند. ایرانیان و ایرانی‌زبانان اسلام را در میان اویغورها گسترش دادند و این مردم کلمات عربی را از طریق فارسی فراگرفتند. عالمان دین و قشر باسواد اویغور، زبان عربی را مانند روشنفکران ایرانی تحصیل میکردند و در نظم و نثر اویغوری مانند ایرانیان بکار می‌گرفتند. اما عامه مردم اویغور با واژه‌های اصلاً عربی از راه نظم و نثر فارسی جدید - که پیوسته از واژه‌های عربی بیشتر آکنده میشد - آشنا شدند. پس تأثیر عربی در اویغوری به آن نسبت زیاد که گفته شد بیشتر از مقوله تأثیر فارسی در اویغوری است چه مستقیم و چه غیر مستقیم (از طریق تأثیر فارسی در زبانهای ترکی دیگر آسیای میانه و از همه به اویغوری نزدیکتر ازبکی).

ترك زبانان آسیای میانه در ابتدای نفوذ اسلام به هر غیر ترك زبان مسلمانی «تاجیک» (تازی) گفتند^۲ و سپس از این «تاجیک»ها واژه‌هایی به عاریت گرفتند و سبک سنگین نمیکردند که فلان واژه در اصل تازی یا فارسی است.

در واژه‌گان اویغوری جدید به‌ازاء هر پنج اسم اویغوری هفت اسم اصلاً عربی هست.

کلمات مرکب مخصوصاً با استفاده از واژه‌های عربی و فارسی بوجود آمده‌اند. يك سوم افعال ریشه تازی دارند. تقریباً ۶۰٪ از واژه‌های تازی بصورت ساده بکار می‌روند و ۲۰٪ بصورت مرکب با اجزاء اویغوری یا فارسی و یا افعال معین اویغوری، و بقیه با

۱- رك: دائرة المعارف فارسی، کلمه چین.

۲- در مآخذ چینی هم مسلمین را غالباً به نام تاشی (تاجیک) خوانده‌اند.

پیوندهای اویغوری یا فارسی: اتفاق‌چی (متحد)، خلق‌چی لبق (مردمی)، آدم‌گرچی لبق (آدمیت)، شکل‌اخیر یعنی کلمات مرکب سه‌عنصری (تازی و فارسی و اویغوری) بسیار متداول است. در بعضی موارد واژه‌های ساده تازی مرادف‌های مرکبی از این انواع دارند: خائن - خیانت‌چی، عادل - عدالت‌لیک، ظالم - ظلم‌کار و غیره. گاهی واژه‌های تازی دخیل - مثل فارسی - در اویغوری معانی خود را تغییر داده‌اند، مانند: «جهل» که در اویغوری جدید بمعنی خشم و ناراحتی است و «مشری» که اینک تنها بمعنی مشترک روزنامه بکار میرود. در ادبیات رسمی اویغوری تحت تأثیر خاصیت روشنفکرانه تأنیث و تذکیر تازی بطور وسیعی مراعات میشود. معلم - معلمه (مرادف با اوقوتقوچی - اوقوتقوچی عیال^۱)، شائیر (شاعر) - شائیره، مدیر - مدیره و غیره. واژه‌های تازی گاهی به جمع تازی و زمانی به جمع اویغوری درمی‌آیند. خور^۲ - اخبار، اخبارات، یا خبر لر. هال^۳، آهوال^۴، احوال... بعضی واژه‌های بظاهر تازی هم در اویغوری ابداع شده است. غلبیت (پیروزی، غلبه)...

از آنچه به کوتاهی بیان شد معلوم است که مردم ساده اویغور واژه‌هایی را که یا اصلاً فارسی و یا از ریشه تازی بوده‌اند از زبان فارسی - مستقیماً و یا بطور عمده از طریق زبانهای دیگر آسیای میانه - به‌وام گرفتند. واژه‌های فارسی را کمتر و واژه‌های تازی را در نوشتن و گفتن بیشتر تغییر دادند. از این واژه‌های وام‌گرفته برای ایجاد کلمات مرکب بسیار استفاده کردند و واژه‌های مرکبی ساختند که وقتی آنها را می‌شکافیم عناصری از اویغوری و فارسی و تازی و دیگر زبانها در آنها می‌یابیم.

واژه‌های فارسی در اویغوری

گفتیم که ورود واژه‌های تازی به اویغوری بطور عمده در مقوله تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم زبان فارسی در اویغوری است. این تأثیر رأساً توسط واژه‌های فارسی نیز انجام گرفته است. قبلاً^۱ به یک نکته جالب پردازیم و آن فارسی یا لااقل هند و ایرانی بودن نام بعضی از شهرها و آبادیهای اویغورنشین است. مانند: کاشغر (و کاشغردریا = رود کاشغر)، یارکند (و یارکنددریا = رود یارکند) نیا^۴، کریا^۵،

۱ - Qutquci ayāl
۲ - Khavar = خبر
۳ - حال
۴ - Niyā
۵ - Keriya

برکل^۱، ماناس^۲ و غیره. و یا شهرکی در این ناحیه بنام «کوچه» است که فارسی بودن آن نیازی به توضیح ندارد، نهایت «کوچه» با معنی قدیمی آن: کوچك محله، کوی کوچك.

بیش از نیمی از واژه‌های دخیل فارسی اسامی اشیاء هستند، اما تأثیر واژه‌های فارسی در اویغوری در همه بافت جمله کمابیش مشهود است. زبان فارسی نقش مهمی در تحول واژه‌سازی اویغوری گرفت. با پیوندها و پسوندها و پیشوندهای فارسی کلمات مرکب بیشماری در اویغوری ساخته شد و این تأثیر نه تنها در اسم و افعال مرکب و صفت و حروف ربط بلکه گاهی در حرف اضافه نیز نفوذ کرد. مانند آب هوا^۳ = آب و هوا، اید قوربان = عید قربان، دست اول و نیز در ترکیبات پیچیده‌تری مانند: از برای خدا، در حقیقت، بد اخلاق و غیره. تعداد حروف ربط فارسی و بطور کلی میزان اجراء فارسی درجه دوم جمله مورد استقاده در اویغوری از تازی بیشتر است و این نشانه دیگری از این واقعیت است که عناصر فارسی در اویغوری مهمان و عناصر تازی «همراه مهمان» بوده‌اند که اینک خود صاحب خانه شده‌اند. و نشانه دیگر آنکه واژه‌های دخیل فارسی تقریباً بدون استثناء هم در زبان ادبی و هم در زبان محاوره‌ای اویغوری بکار می‌روند و این وضع در مورد کلمات اصلاً عربی و چینی و روسی به این شدت مراعات نمی‌شود. واژه‌های فارسی در ایجاد کلمات مرکب اویغوری اهمیت درجه اول دارند.

۲۰٪ واژه‌های فارسی در تشکیل فعل بکار رفته‌اند. بیش از نیمی از واژه‌های فارسی اسم و بیست درصد صفت است. نیمی از اسمهای فارسی قسمت اصلی و بسیار متداول واژگان اویغوری است: جای، آسمان، بازار، پول (که بالاخره فارسی شده است)، توخوم (تخم [مرغ])، خنجر، درخ (درخت)، دیخان (دهقان)، دربا (رودخانه)، کان (معدن)، گول (گل)، میوه، گوش (گوشت)، دوتار (آلت موسیقی)^۴، پادشا (پادشاه)، چیره (چهره)، الیچه (آلوچه)، کیچه (کوچه)، پیاده، اژدهار (اژدها)، شیر (حیوان معروف)، زمین، شهر، جاهان (جهان) و جز آنها. نکته مهم آنکه تغییر

۱ - Barkol ۲ - Manas ۳ - abihavā

۴ - غیر از دوتار نام ایرانی بسیاری از ابزارهای موسیقی وارد زبان اویغوری و حتی چینی شده است.

معانی در واژه‌های دخیل فارسی بسیار کمتر از کلمات عربی دخیل انجام گرفته است. بیشتر واژه‌های فارسی در اویغوری همان معانی خود را در زبان فارسی دری دارند. بعضی صفت‌های فارسی نیز در اویغوری بسیار بکار می‌روند: ارزان (در برابر واژه تازی «قیمت» بمعنی گران)، آشکاره (در برابر کلمه مخپی = مخفی)، پاکیزه (در برابر اپلاس = افلاس)، چپ، راس (راست)، خام، خوش، روشن (حتی در مورد رنگ)، ساخته (ساختگی، بدلی)، کور، پست، آبادان، کیچیک (کوچک)، دوست، بدبخت، برپا، پاک، آسان، کم، بیدار، آزاد، سیا (سیاه)، و جز آنها. پیشوندهای «نا»، «بی»، «بد» و غیره نیز بر سر صفت‌های تازی و اویغوری زیاد بکار می‌روند تا صفات مرکب تازه‌ای بسازند.

بطور کلی واژه‌ها و عناصر فارسی در تشکیل اسم، صفت و فعل مرکب اویغوری نقش مهمی دارند. جالب‌تر آنکه در اویغوری بعضی واژه‌های مرکب درست شده است از ترکیب اجزاء چینی و فارسی مانند: تنگچه (مرکب از تنگ که اصلاً چینی است و احتمالاً از راه اویغوری وارد فارسی شده است به اضافه - چه علامت تصغیر فارسی) یا جوخار گول^۱ که جزء اول آن چینی و قسمت دوم آن (گل) فارسی است. عناصر فارسی، تازی، اویغوری و اروپائی نیز در تشکیل کلمات مرکب باهم شرکت می‌کنند. حال بوکه - و حال آنکه، ماشین سازلیک - ماشین سازی، هر ترپ لمه - هر طرفه، در حال - در حال (فوراً)، اسراب خور لوق - اسراف خوری (ریخت و پاش)، تراکتور سازلیق - تراکتور سازی، دنیا قاراش - دید دنیائی (دید جهانی)، سوانبیری^۲ - آب انبار، خوش حال - خوشحال، بیوقت (نابهنگام)، قان خور (خونخوار)، همکارلیک (همکاری)، مهنت کش (محنت کش)، مادام کی (مدام که) و جز آنها.

در مواردی از واژه‌های فارسی ترکیباتی با معانی جالب درست شده است. مانند: سنئی همرا^۳ (صنعی همراه) = قهر مصنوعی، آش خانه - غذاخوری و از ترکیب اخیر کلمه اویغوری «آش خانه لاشتور»^۴ درست شده است بمعنی «ایجاد غذاخوری برای راضی گرداندن جماعت». و نیز از «کرنا»ی فارسی و «رادبو» فرنگی کلمه

۱- Chrysanthemum Juxārgul: گل چینی.

۲- anbir = انبار، ظاهراً تحت تأثیر سکائی میانه: hambir

۳- Sun'i - hamrā

۴- āšxānalāštur

«راديو كرنای» را بمعنی بلندگو ساخته اند. كلمات مركبى كه همه اجزاء آنها فارسى است نیز كم نیست: آتش پرست، بىكار، آشپز، آبروى، چارویدار (چارپادار) و جز آنها.

بعلت ورود كلمات دخیل بسیار از زبانهای گوناگون به اویغورى مترادفات در این زبان زیاد است. اما همانطور كه گفته شد میزان استعمال عناصر فارسى زیاد است. مانند:

كلیشكن^۱، سمبات لیک^۲، اسكت لیک^۳، قشنگ
كیشی، انسان، آدم.
بر^۴، توپراق، زمین.
آش، تاماق، غذا.
اتی یاز^۵، كك لم^۶، بهار.

سئادت، بخت (از ترکیب بخت و سعادت «بخت سئادت» بمعنی «ساغ سلامت» درست شده است).
قایغو، غم.
غیر، باشقا.
ارکین، آزاد.
آز، كم...

جالب استعمال زیاد اجزاء فارسى غیراصلى جمله در زبان اویغورى (مانند دیگر زبانهای ترکی) است مانند: اگر، مگر، هر، هم، هیچ (هیچ)، چونكى (چونكه)، هرگز، راسا (راستى)، بلكى (بلكه)، یا، ها (بلى)، مانا (گوئى) و ترکیباتى از این اجزاء مانند: هرکیم (هرکس)، هیچ بیر (هیچکس)، هر نیمه (هرچیز)، هرچی لریغه (به همه آنها)... و جالب تر، استعمال پیوندها و اجزاء و عوامل پیشوندی و پسوندی فارسى در تشکیل واژه‌های مرکب اویغورى است كه اینك از هر کدام چند نمونه ذکر میشود: -

- پز: آشپز، سامسى پز (سامسى = كيك)

Iskatlik -۳

Sumbätlik -۲

Kelişkan -۱

Koklam -۶

atiyāz -۵

Yar -۴

- پرست: آتش پرست، اوروش^۱ پرست (جنگ طلب)، بت پرست.
- پرور: ترقی پرور، وطن پرور.
- پرورش (فروش): آلمی پرورش (سیب فروش)، چای پرورش (چای فروش).
- ساز: سائت ساز (ساعت ساز).
- ستان: گولستان (گلستان)، داغستان (کوهستان و نیز ناحیه ای).
- خانه: دمبوخانه^۲ (تلگر افخانه)، قاماق خانه^۳ (زندان)، باسمه خانه (چاپخانه)، پچتی^۴ خانه (پست خانه)، کنسولخانه، آشخانه، چاپخانه.
- زار: گولزار (گلزار)، بده^۵ زار (شیدرزار).
- دان: سیادان (دوات، مرکب دان. سیا = مرکب).
- دار: چارویدار (چارپادار)، بیرقدار، ئیب دار (عیب دار، معیوب، مقصر).
- گر: سودی گر (سوداگر، بازرگان)، کیمیاگر.
- ون (در اصل فارسی - بان): باغون (باغبان)، سارای ون (سرایان).
- واز (در اصل فارسی - باز): کفترواز (کیبوترباز)، دارواز (چوب باز، رقاص نوعی رقص با چوب)^۶.
- خور: هرق خور (عرق خور)، چای خور، جازانه خور^۷ (رشوه خوار).
- کش: هاروکش (ارابه کش)، مهنت کش (محنت کش).
- کار: گناکار (گناهکار)، بناکار (بنا).
- چه: فزچه (دختر کوچک).
- من (در اصل فارسی - مند): عیالمن (عیالوار)، هنرمن (هنرمند)، دانشمن (دانشمند)، آرزومن (آرزومند).
- ای: ئلمی (علمی)، سیاسی.
- شناس: اویغور شناس، ترک شناس.
- نامه: شرط نامه، بیان نامه (بیانیه).

dambuxāna - ۲ Uruš : جنگ ۱

pactixāna - ۴ qāmāq-xāna ۳

beda : شیدر ۵

۶- پهلوی: dārwarzig = اکروباسی و رقص پا عملیات حیرت انگیز با چوب.

Jāzānaxor - ۷

– انه (پسوند قید ساز): قهرمانانه، دوستانه، کورکورانه.

نا: ناحق، ناوמיד.

بی: بیوقت (نابهنگام)، بیکار.

بد: بداخلاق، بدهال.

خوش: خوشهال.

واژه‌های قدیم فارسی در اویغوری

اینک به نکته مهم دیگری میرسیم و آن دقت در واژه‌های فارسی دخیل در اویغوری از نظر زمانی است: واژه‌های کهن و تازه. بعضی از واژه‌ها بسیار کهن می‌نمایند و پیداست که یا از طریق سغدی در دوره ایرانی میانه و یا از فارسی دری در سده‌های نخستین اسلامی به اویغوری راه یافته‌اند. مانند هاروا = ارابه. هاروا شکل کهن ارابه است که به ایرانی باستان نزدیکتر است. در ایرانی باستان – raθa (که از جمله کلمه مرکب – raθaštāra: ارتشتار پهلوی: کسی که بر ارابه [جنگی] می‌ایستد، سپاهی، آمده است). تحول در زمانی این واژه احتمالاً چنین است:

raθa - avo > raθāva > rahāva > harāva > ar[r]āwa > arrāba.

و می‌بینیم که شکل هراوه یا «هاروا»ی مانده در اویغوری دو پله از «ارابه» به ایرانی باستانی نزدیکتر است. از این واژه در اویغوری کلمه هاروی لاشتوروش^۱ ساخته شده است بمعنی «تدارك حمل بوسیله ارابه».

دیگر واژه کنگک^۲ است که در اویغوری بمعنی گشاد، وسیع و پر نعمت باقی مانده است. این واژه کهن در «کنگک دژ»، «کنگان»، «کنگاور» و نظائر آن باقی مانده است. امادر فارسی امروز بکار نمی‌رود و حال آنکه در اویغوری جدید هنوز رایج است. دیگر واژه تار است که در اویغوری جدید هنوز بمعنی باریک و تنگ استعمال میشود^۳. دیگر واژه جواز است بمعنی کارگاه روغن‌گیری. این کلمه در متون پارتی آمده است ولی در حال حاضر در فارسی جدید بکار نمی‌رود.

دیگر واژه آبتاپ بجای آفتاب است که شکل بسیار قدیمی دارد. واژه‌های

hārvilāšturuš – ۱

۱- Kang. در ترکی آذربایجانی بصورت گن gan = گشاد باقی مانده است.

۲- تار به این معنی ظاهراً از تار (در برابر بود) و نخ یا هرچیز نازک و باریک گرفته

شده است. در ترکی آذربایجانی «دار» بمعنی تنگ باقی مانده است.

«آبروی» و «جای» و نظائر آنها به جای «آبرو» و «جا» همین وضع را دارند. همچنین واژه «گپ» بمعنی گفتار و «دپتر» بجای دفتر (کتاب) و «مانا» بمعنی گوئی، «چنان اسبختی که» و «فولاد» بجای فولاد و آئینگ بجای آئینه...

بررسی بیشتر متون قدیمی اویغوری از جمله اسنادی که هنوز چاپ نشده‌اند امکان دسترسی به واژه‌های کهن ایرانی را بیشتر می‌سازد.

چند جمله و اصطلاح اویغوری

اینک چند جمله و اصطلاح اویغوری را برای نشان دادن میزان تأثیر فارسی در اویغوری (از نظر واژه‌های فارسی و یا عربی موجود در فارسی) می‌آوریم (با رسم الخطی برای خواننده ایرانی روشن‌تر):

- اگر بیر کیشی توشیدا ارپ پادشالرین توسی سا...
- اگر يك آدم پادشاهان عرب را در خواب به بیند...
- قهرمان عسکر لریمیز دوشمنگه قارشى هوجومگا اوتى.
- سپاهیان قهرمان ما هجومی را علیه دشمن آغاز کردند.
- اونینگه نسبتن بوارزانرق امسمو؟
- آیا این نسبتاً ارزانتر از آن دیگر نیست؟
- من مکتب‌ته چغیمده اویگه هرهپته خت یزید یغانمان.
- وقتی که من به مدرسه رفتم هر هفته برای خانه نامه مینویسم.
- اون مینوت کم بش.
- ده دقیقه مانده به پنج.

تأثیر زبان اویغوری در دیگر زبانها

تأثیر هیچگاه یکطرفه نیست. هر مؤثری تأثیرپذیر است. نهایت سخن از میزان و کمیت تأثیر و تأثیرپذیری است. ما واژه‌های زیادی به عرب دادیم و کلمات بسیاری از عرب به عاریه گرفتیم. روابط هرزبانی با زبانهای نزدیک و مربوط همین گونه است. فارسی از جمله در اویغوری و دیگر زبانهای ترکی تأثیر کرد و خود از آنها تأثیر پذیرفت. عبارت کم معنی و اغراق آمیز و کودکانه زیر نشان دهنده این واقعیت است: -

– آقای قلی خان قزل‌ایاغ بقچه را برداشت و يك طغرا کاغذ را بادم قاشق پاره کرد و بدست آقای اصلان باتمانقلیچ داد و خود سوار يك الاغ بد قلق شد و برای ییلاق به ساوجبلاغ رفت!

آنچه در مورد اویغوری میتوان به احتمال زیاد گفت آنست که ما ابتدا از راه این مردم بعضی واژه‌های چینی را – مستقیم و غیر مستقیم – گرفته‌ایم. مانند چای که به زبان روسی رفت و به فارسی درآمد و سینی (در اصل چینی، یعنی ساخته شده در چین. در قدیم چینی، صینی، سینی به بشقاب چینی گفته میشد و احتمالاً «هفت سین» بصورت هفت سینی و بمعنی هفت ظرف محتوی هفت چیز مورد احترام بر سر سفره نوروزی بوده است نه هفت چیزی که اولین حرف نام آنها «سین» باشد. در اویغوری «چینی» هنوز بمعنی فنجان است). و تنگ که اصلاً چینی و دخیل در اویغوری است... در این زمینه بررسی بیشتری لازم است.

بعلاوه اویغوری که آنهمه تأثیر پذیرفت حتی توانست بعضی طوائف مغول را که در جوار اویغورها زندگی میکردند و مسلمان شده بودند و ا دارد که زبان مغولی را از یاد ببرند و به اویغوری سخن بگویند.

پس هدف این مقاله نشانه غرور و تفاخری نیست بلکه يك بررسی اجمالی از يك واقعیتی است و کوششی است ناچیز و مقدماتی برای درك بیشتر غنا و گسترش زبان فارسی در قدیم.

منابع

– Modern Uigur, E. N. Nadzhip, USSR Academy of Science, Institute of Oriental Studies, Moscow, 1971.

– Tale of Bhadra, Moscow, 1965.

– دائرةالمعارف فارسی، به سرپرستی دکتر غلامحسین مصاحب، جلد اول.

– مقدمه بر برهان قاطع، دکتر معین.

– لغت نامه دهخدا.